

خواهی که رستگار شوی، راستکار باش
تا عیب جوی را نرسد بر تو مدخلی

PARGAR WEEKLY NEWS



هفته‌نامه سیاسی
اجتماعی، فرهنگی

دوشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۰ | سال هشتم
دوره جدید ۱۶۷ | شماره پیاپی ۲۰۰
قیمت ۷ هزار تومان

رئیس کمیسیون بودجه شورای شهر یزد

میلیاردها تومان بیت‌المال در گونی بود

- در کشاکش گرک و میش
- یزد شهر برندهای رنگارنگ
- قیام بخشی از هویت ما ست
- دانشجویان خارجی سفیران فرهنگی
- در خون نشست روسری دختران ما



تزیینات یزد زیبا

کناف

کاغذ دیواری

ایران، خارج، پوسٹر، سه بعدی

انواع قرنیز

رنگ آمیزی:

پلاستیک آکرولیک، آب پایه، روغن

یزد بلوار ۱۷ شهرریور بلوار عابدی نبش کوچه
زیتون

۰۹۱۳۳۵۸۵۰۶۹

۰۳۵۳۷۲۶۳۵۱۴ ☎





یزد_آب_ندارد



● در کشاکش گرگ و میش
● دانستن حق مردم است



● یزد، شهر برندهای رنگارنگ
● قیام بخشی از هویت ما ست



● بازار موبایل در
کش و قوس قیمت‌ها



● شما چه حقی دارید؟



● دانشجویان خارجی،
سفیران فرهنگی
● در خون نشست
روسری دختران مان



● شیرینی دوستی علی در
شب شکلاتی شهر



صاحب امتیاز:
نسرین زمان زاده
مدیر مسئول:
زهره شاه شوازی

سر‌دبیر:
عاطفه ابراهیمی
دبیر‌تحریریه:
شادی شفیعی

مجری انتشار:
آژانس ویرگول
صفحه آرایه:
موسسه فرهنگی و هنری
دیدنو
عکس روی جلد:
بهارک روشن بخش

چاپ:
چاپخانه سروش
تیراژ:
۵۰۰ نسخه

آدرس:
یزد- بلوار پاکت‌زاد خیابان
پرویش واحد ۲۸
انتشار آگهی:
۰۳۵-۳۶ ۲۷۴۷۱۷
۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه مندان برای همکاری در هفته نامه پرگار دعوت می‌شود مطالب خود را به ایمیل نشریه ارسال کنند. مطالب منتشر شده لزوما دیدگاه پرگار نیست. پرگار منتظر نظرات و انتقادات خوانندگان است. پرگار نشریه مستقل و متعلق به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک
Info@pargarnews.ir

جامعه ای که گفتگو را بلد نیست

عاطفه ابراهیمی

تجمع دانش آموزان در اعتراض به برگزاری حضوری امتحانات در اردیبهشت ۱۴۰۰، بخشی از اعتراضات مردمی سال های اخیر است. به درست یا غلط بودن، به حق یا ناحق بودن این اعتراضات کاری ندارم که بحث جداگانه ای است. آن چه در این میان بیشتر به چشم می آید عدم امکان گفتگوی ملی است. چرا پیش از آنکه کار به اعتراض مردمی، دخالت نیروی انتظامی و آشوب بکشد که نتیجه ی آن دلسری مردم و عمیق تر شدن شکاف بین مردم و مسئولان است نمی توانیم وارد یک گفتگوی کارآمد شویم؟ دانش آموزان یزدی در اعتراض به برگزاری حضوری امتحانات اعتراض کردند اگر چه به شخصه این اعتراض را به حق نمی دانم اما حضور نیروی انتظامی و در نهایت درگیری و خشونت جز مصمم کردن معترضان به پافشاری بر یک موضع اشتباه و در نهایت ترسیم تصویری زشت از برخورد مسئولان با مردم چه عایدی دیگری داشت؟! چرا دانش آموزان نتوانستند نمایندگانی انتخاب کنند که تعریف دقیقی از خواسته هایشان ارائه کنند و در مقابل مسئولان آموزش و پرورش پیش از ایجاد درگیری، برنامه ای برای گفتگو و توضیح و تشریح آنچه مقرر شده نداشتند؟

در روزگاری که هر رویدادی در کشور با متر و معیار سیاست و جناح بندی های سیاسی اندازه گرفته می شود، برچسب زدن به اشخاص و گروه ها بسیار ساده است. اما این برچسب زنی، ما را از موثرترین راه توسعه اجتماعی یعنی گفتگو دور می کند. وقتی جامعه نمی تواند برای اعتراض به مشکلات و حل بحران از مسیر گفتگو عبور کند نتیجه ای جز متوسل شدن به خشونت نخواهد داشت. این همان چیزی است که در سال اخیر شاهد آن بودیم. این که یاد بگیریم در هر جایگاهی که هستیم گفتگو اولویت ما در مواجهه با مشکلات باشد نیاز به عزم ملی و آموزش همگانی دارد. هر چند زمانی که صدا و سیما به عنوان گستره ترین رسانه کشور، به تریبون جناحی خاص تبدیل می شود و ساختار و برنامه درستی برای قدم گذاشتن در مسیر گفتگوی ملی با هدف ایجاد آرامش ملی ندارد نمی توان انتظار داشت که همراهی همگانی در این باب صورت گیرد.

زمانی که میان بزرگترین جناح های سیاسی کشور گفتگویی منطقی برقرار نیست و یا حتی بدتر، مسئولان در جهت حل مشکلات بین خود با یکدیگر گفتگو نمی کنند چگونه می توان انتظار داشت بحث گفتگوی ملی در میان تمام اقشار جامعه رسوخ کند؟

تا زمانی که به گفتگو به عنوان یک پز روشنفکری و ژست سیاسی نگاه کنیم و تا زمانی که طرح گفتگوی ملی را به عنوان یک ضرورت در سطح کلان جامعه نپذیریم باید هر بار شاهد یک اعتراض جدید باشیم. رسیدن به بلوغ سیاسی یعنی پذیرش تفاوت های دیگران و توانایی حرف زدن درباره ی آنچه سبب شده دیدگاه های متفاوتی داشته باشیم. این جامعه تا زمانی که حرف و گفتگو را جانشین شعار زنده باد و مرده باد نکند نمی تواند قدمی رو به جلو بردارد.

گزارش خبری-تحلیلی از روزهای نگران کننده
اصلاح طلبان یزدی در انتخابات شورای شهر:

در کشاکش گرگ و میش

امیرترقی نژاد

اصلاح طلبان یزدی این روزها روزهای خوشی ندارند. تیغ رد صلاحیت های گسترده کمر اصلاح طلبان یزدی را چنان خم کرده است که به باور آنان دیگر امیدی حتی برای لیست بستن نیست. این در حالی است که حتی اعضای اصلاح طلب و حتی مستقل شورای پنجم نیز از این تیغ جان سالم به در نبرده اند و حالا با نگرانی به دور بعدی شورای شهر یزد می نگرند. موضوعی که اگر تا امروز و فردا به نتیجه ای نرسد و رایزنی های با شورای نظارت استان و پس از آن شورای مرکزی هیئت نظارت بر انتخابات بی اثر باشد، کار آنها را به شعبه ویژه دیوان عدالت برای رسیدگی به اعتراضات انتخابات کشیده خواهد شد. روندی قضائی که احتمال حصول نتیجه آن تا یک هفته به برگزاری انتخابات یعنی آغاز موعد رسمی تبلیغات کاندیداها طول خواهد کشید و رسماً زمان لازم برای تبلیغات و برنامه ریزی را از آن ها خواهد گرفت. به گزارش پرگار، اگرچه این وضعیت نگران در کل کشور این رنگ تند تیغ رد صلاحیت ها را به خود دیده است اما گویا اوضاع یزد نگران کننده تر گزارش شده است. بی شک اگر غلامعلی سفید رییس اصلاح طلب کنونی شورای شهر نیز برای این دوره ثبت نام کرده بود او نیز به رد صلاحیت هیات نظارت مواجه شده بود.

● حیرت از هیات نظارت

ونوس عامری عضو اصلاح طلب کنونی شورای شهر یزد اولین فرد اصلاح طلبی بود که نسبت به این اتفاق واکنش تندی نشان داد. احمد طالبی معاون سابق اداره ورزش و جوانان استان نیز به اظهارات حجه الاسلام حبیبیان به عنوان یکی از اعضای هیات نظارت یزد واکنش نشان داد و در صفحه اینستاگرامش با نوشتن یک مطلب، به شدت اظهار نارضایتی کرد. با این حال نماینده مردم یزد و اشکذر نیز در گفتگویی اظهار داشت: در قانون و آئین نامه اجرایی به هیچ عنوان بحثی تحت عنوان گرایش سیاسی نامزدها نداریم ادعای رد صلاحیتها با نگاه سیاسی صحت ندارد. محمدمصالح جوکار گفت: رد صلاحیت برخی داوطلبان انتخابات شوراها ارتباطی به گرایش سیاسی و جناحی آنها ندارد و چنانچه شکایت و اعتراضی نسبت به این موضوع دارند باید اعتراض خود را به هیئت‌های نظارت اعلام کنند.

از انتخابات است، رد صلاحیت داوطلبان شوراها را دور از مصلحت و عقلانیت دانسته و گفته است: امید می رود این موضوع نسبت به حضور گسترده مردم در انتخابات روز ۲۸ خرداد ماه سال ۱۴۰۰ تاثیر نداشته باشد. قمی در نشست برخط (آنلاین) با خبرنگاران افزوده است: رد صلاحیتها به نفع کسی نیست و اتهام های وارده هم صحت ندارد بلکه با حیثیت و آبروی این افراد بازی شد. وی تصریح کرده در این زمینه جریان و تفکری وجود دارد، در انتخابات باید سلاقی و احزاب مختلف حضور یابند.

هرچند قمی آماری از تعداد افراد رد صلاحیت شده ارایه نکرد، اما احمد ترحمی رییس ستاد انتخابات استانداری یزد ۲۳ فروردین ماه گذشته گفته بود که صلاحیت ۳۲ (۳/۹۲ درصد) نفر از مجموع ۸۱۵ داوطلب که در انتخابات شوراها شهر ثبت نام کردند از سوی هیات های اجرایی استان احراز نشد.

● سپینتا هم دوباره رد شد

سپینتا نیکنام عضو زرتشتی شورای شهر یزد هم که در دور قبلی انتخابات جنجال ساز شده بود این بار رد صلاحیت شد. او از حوزه تهران به انتخابات ورود کرده بود که با استناد به بند «ج» ماده ۳۳ یعنی عدم التزام به اسلام رد صلاحیت شد. در انتخابات شورای شهر یزد در سال ۹۶ با شکایت یکی از نامزدهای اصولگرا از نیکنام به دلیل زرتشتی بودن او، شعبه ۴۳ دیوان عدالت اداری در حکمی عضویت او را به دلیل مسلمان نبودن معلق کرد. بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۶، «اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند». البته علی اکبر اولیاء نماینده سابق یزد هم که در حوزه تهران کاندیدای انتخابات شورا شده بود با تبیغ عدم صلاحیت مواجه شده است.

● رد صلاحیتها گسترده تر از قبل بوده؟

نهاد ناظر بر انتخابات شوراها شهر، مجلس شورای اسلامی است. اما چرا در این دوره از انتخابات، رد صلاحیتها گسترده تر از قبل بوده و چرا این موضوع در مورد شهر یزد، تا این حد حساسیت برانگیز شده است؟ صباغیان نماینده مجلس و رییس هیات نظارت بر انتخابات شوراها اسلامی استان یزد می گوید: هیات‌های نظارت در استان یزد وظایف خود را تاکنون طبق قانون به خوبی و با جدیت انجام داده اند و ادامه این روند نیز با همکاری سایر عوامل صورت می‌گیرد و همه باید در چارچوب قانون ماموریت مربوطه را طبق قانون انجام دهند. در واکنش به گفته های صباغیان باید گفت: خبر رد صلاحیت گسترده چنان برنامه اصلاح طلبان برای تهیه فهرست در انتخابات ششمین دوره شورای شهر را تحت تأثیر قرار داده است که تنها روزنه امیدشان، اعتراض به نتایج اعلام شده و ایجاد تغییر اساسی در شمار داوطلبان شان است.

حمید رضا قمی سخنگوی شورای اسلامی شهر یزد هم که جزء رد صلاحیت شده ها این دوره

با همراهی خیرین و مسئولان استان صورت گرفت: افتتاح سی سی یو بیمارستان سیدالشهدا یزد

هم در بحث خیریه کمک حال محرومین و مستضعفان بود و هم نقش و کارکرد ویژه‌ای را برای توسعه این بخش از شهر ایفا کرد.

محمد علی طالبی به توسعه‌ی بیمارستان سیدالشهدا اشاره کرد و گفت: بسیاری از مجموعه‌های درمانی و بیمارستان‌هایی هستند که شکل می‌گیرند، اما نمی‌توانند همراه زمان جلو بیایند اما بیمارستان سیدالشهدا (ع) همراه زمان جلو آمده، توسعه پیدا کرده و بهترین و عالی‌ترین سطح خدمات را به مردم ارائه داده است. ما در طول سال‌های گذشته همواره شاهد توسعه این بیمارستان، چه در بُعد فیزیکی و ساختمان و چه در تامین تجهیزات مورد نیاز در بخش‌های مختلف و اضافه شدن خدمات جدید و بخش‌های جدید به مجموعه فعالیت‌های این بیمارستان بودیم و این واقعا ارزشمند است.

وی به فعالیت‌های گسترده بیمارستان اشاره و تاکید کرد: این بیمارستان خیریه با کمک و همراهی خیرین بزرگوار، هم پای زمان و شرایط، پیش آمده و جایگاه خودش را به‌عنوان یک ارائه‌دهنده خدمات برتر در حوزه پزشکی و درمانی حفظ کرده و آن را ارتقاء داده است.

یادگار سومین شهید محراب نیز در این مراسم ضمن تقدیر از کادر درمان و خیرانی که همواره بیمارستان سیدالشهدا را همراهی کرده اند گفت: امروز خیریه‌ها معنای متفاوت‌تری از گذشته پیدا کردند. سرمایه‌گذاری اجتماعی یکی از معیارهای توسعه انسانی است و نهادهای مدنی و سمن‌ها یکی از نمادها و سمبل‌های اصلی این سرمایه‌گذاری اجتماعی شناخته می‌شوند. خیرین امروز یکی از پایه‌های جامعه مدنی ما هستند، باید قدر آن‌ها را بدانیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد صدوقی افزود: مهم‌ترین سرمایه موسسات خیریه، اعتماد خیرهایشان است. این موسسات باید با شفاف‌سازی و با هزینه‌کردهای علمی‌شان بتوانند این اصلی‌ترین منبع‌شان را حفظ کنند. مجموعه بیمارستان سیدالشهدا (ع) اگر ما از هر هزینه‌ها درآمدی داشته باشد، صد درصد آن‌ها را در راه توسعه درمان استان و در راه درمان‌های خیریه هزینه خواهد کرد.



بخش جدید سی سی یو بیمارستان سیدالشهدا (ع) یزد با حضور محمد علی طالبی استاندار یزد، حجت‌الاسلام محمد صدوقی، جمعی از مسئولان بیمارستان و خیرین افتتاح شد.

در این مراسم که با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی برگزار شد، رئیس هیات مدیره بیمارستان سیدالشهدا (ع) ضمن گرامیداشت یاد بنیانگذار بیمارستان گفت: کلنگ بیمارستان حضرت سیدالشهدا (ع) در عید فطر سال ۴۹ به دست مبارک سومین شهید محراب زمین زده شد. با پیگیری‌ها و راهنمایی‌های فرزند فقیدشان ادامه پیدا کرد و در حال حاضر توسط حاج آقای صدوقی راهنمایی و حمایت می‌شود.

علی اکبر حجت‌الاسلام داد: از شروع بیمارستان نظر این بوده که خدمات باکیفیت و آن چیزی که نه تنها در استان بلکه حتی در جنوب شرق کشور هم نیست، به مردم ارائه شود.

حجت‌الاسلام به روزرسانی تجهیزات بیمارستان به‌عنوان برنامه‌های آینده یاد کرد و گفت: ام‌آر‌آی بیمارستان قرار است به‌زودی به روزرسانی شود، دستگاه سی‌تی‌اس‌کن، سی‌تی‌انژیوپی نیز خریداری شده که ان‌شاءالله در ماه‌های آینده نصب می‌شود. همچنین با حضور متخصصان، بخش داخلی قلب، شبانه‌روزی خواهد شد. خرید تجهیزات برای بخش‌های مختلف در اتاق عمل، بخش گوش و حلق و بینی، چشم، ارتوپدی، اورولوژی و بقیه رشته‌ها نیز در دستور کار است.

استاندار یزد نیز در این مراسم ضمن گرامیداشت یاد شهید آیت‌الله صدوقی گفت: سومین شهید محراب یادگار ارزشمندی را از خودشان به‌جا گذاشتند و بیمارستانی را بنیاد نهادند که

یزد؛ شهر خلاق "فرهنگ و هنر"

تسنیم-یزد: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه‌ای به استاندار یزد، انتخاب سه شهر استان در طرح شهرهای خلاق فرهنگ و هنر را تبریک گفت و خواستار همکاری مسئولان این سه شهرستان در اجرای موفق این طرح شد. در متن نامه عباس صالحی آمده است: همان گونه که مستحضرید یکی از برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با هدف تقویت بنیه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرها در بستر ایجاد کسب و کارهای فرهنگ و هنر با مشارکت و همراهی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به مرحله اجرا رسیده است طرح شناسایی و انتخاب شهرهای خلاق فرهنگ و هنر است. با عنایت به برنامه‌های ارائه شده و ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی و هنری شهرهای شرکت‌کننده و داوری‌های تخصصی انجام شده شهرهای یزد (شهر خلاق تجسمی)، تفت (شهر خلاق سینمایی) و میبد (شهرهای خلاق صنایع دستی) به عنوان شهرهای خلاق فرهنگ و هنر برگزیده شده‌اند. با تبریک این انتخاب به جنابعالی و مردم فرهنگ دوست و هنرپرور آن استان انتظار می‌رود با توجه به لزوم نهادینه شدن این طرح دستور فرمایید با قید فوریت و با همکاری و مشارکت فرمانداران و شهرداران شهرهای مورد نظر و سایر سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی مشارکت‌کننده در این برنامه در خصوص عملیاتی شدن برنامه‌ها براساس دستورالعمل اجرایی که به زودی به ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها ابلاغ خواهد شد حمایت و حداکثر مساعدت ممکن را به عمل آورند.

انتخابات و رقابت از معنا افتاده است

ایسنا-یزد: استاندار یزد با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود، خواستار تجدید نظر هیات نظارت شد. این پیام توئیتری که توسط «محمدعلی طالبی» در صفحه رسمی وی در اینستاگرام نیز منتشر شد، به این شکل است: «هیات‌های نظارت کار رای دهندگان در بعضی روستاها را راحت کردند. فقط به تعداد اعضای شورا، کاندیدا هست و انتخابات و رقابت از معنا افتاده.» استاندار یزد در این پیام خطاب به نمایندگان نوشته است که «نمایندگان محترم، اگر این موضوع از نظرتان بد است، فرصت تجدید نظر هست و اگر مورد تایید است، تکذیب کنید.»

شکستگی ارسی باغ جهانی دولت آباد سهوی بود

ایسنا-یزد: مسئول پایگاه میراث جهانی باغ دولت آباد با بیان این که یکی از پنجره‌های ارسی عمارت باغ دولت‌آباد به صورت سهوی توسط بازدیدکنندگان دچار آسیب و شکستگی شد، از مرمت آن طی چند روز آینده خبر داد.

«مجید علومی» در توضیح تصاویر منتشر شده از شکستگی یکی از پنجره‌های ارسی عمارت باغ جهانی دولت‌آباد که این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شود، تصریح کرد: یکی از بازدیدکنندگان به طور سهوی و غیرعمدی در برخورد با این ارسی منجر به بروز این آسیب شده که بخشی از خسارت وارده نیز توسط وی پرداخت شده است.

وی با بیان این که طی چند روز آتی شکستگی ایجاد شده ترمیم خواهد شد، گفت: خسارت این آسیب حدود پنج میلیون تومان برآورد شده ولی تا چند روز آینده، عملیات ترمیم آن انجام خواهد شد.

رئیس کمیسیون بودجه شورای شهر یزد

میلیاردهاتومان بیت‌المال در گونی بود

شادی شفیعی

از واژه‌هایی که این روزها در ادبیات رسانه‌ای کشور زیاد تکرار می‌شود، «شفافیت و فساد» است. یکی از نهادها و سازمان‌هایی که بروز فساد در آن بسیار پررنگ است، شهرداری بوده چرا که در آن گردش مالی زیادی جریان دارد. «شفافیت»، یکی از مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی اعضای شورای شهر یزد در دور پنجم بود. از آنجایی که شهروندان در تصمیمات گرفته شده برای شهر، ذینفع هستند، پس این حق را دارند که از میزان هزینه‌هایی که در شهر صرف می‌شود با خبر باشند. کارشناسان حوزه‌ی شهری بر این باور هستند که بدون شفافیت، رسیدن به اهداف بلند مدت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با موانع بسیاری روبه‌رو می‌شوند. یزد یکی از این شهرهایی است که شفافیت برایش مثل نان واجب بود و هست. موضوع شفاف‌سازی در شهرداری یزد یکی از خواسته‌های افکار عمومی است که متأسفانه اجرایی کردن آن سال‌هاست به تعویق افتاده است.

در اواخر عمر شورای پنجم شهر یزد شاید یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم و کارشناسان حوزه شهر را بتوان در همین مورد آخر یعنی لزوم بررسی قضائی و برخورد با متخلفان در نظر گرفت. کاهش حجم فساد و نتیجه‌بخش بودن شفافیت باید در پایان دوره ارزیابی مورد ارزیابی قرار گیرد. چرا که شفافیت در میان‌مدت و بلندمدت جواب می‌دهد نه یک شبه.

● داستان تخلفات شهرداری یزد

شورای شهر یزد در دوره پنجم با پیگیری ونوس عامری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورا موضوع شفافیت را به طور جدی دنبال کرد که نتیجه‌ی آن مشخص شدن مبلغ ۱۴۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان مغایرت در صورت حساب مالی شهرداری یزد بود.

هر چند که به نظر می‌رسد مسیر مبارزه با فساد در مجموعه مدیریت شهری یزد، با دشواری‌ها و موانع زیادی مواجه است که پروسه مبارزه با آن را زمان‌بر و سخت‌تر کرده است. به گفته‌ی ونوس عامری، به دلیل ساختار متفاوت شهرداری، پروسه مبارزه با فساد در این مجموعه متفاوت از سایر دستگاه‌ها است.

اواخر مهرماه ۹۶ اعضای شورای شهر پنجم یزد متوجه این موضوع می‌شوند که شهرداری یزد یکی از ضعیف‌ترین شوراهای شهر کشور در بخش ارائه گزارش‌های مالی به مقامات کشوری است. به طوری که در طول دوره چهارم شورا برای وزارت کشور هیچ گزارش مالی ارسال نشده و شهرداری از سوی این وزارتخانه در آستانه‌ی توبیخ و تنبیه قرار گرفته بود.

● سیستم آشفته مالی

به گفته‌ی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه پنجمین دوره‌ی شورای اسلامی یزد، سیستم مالی سازمان عریض و طویلی مثل شهرداری، بسیار سیستم آشفته‌ای بود. به طوریکه گزارش ۱۷ سال حسابرسی شهرداری یزد توسط شوراهای اسلامی تنها در یک جلسه صحن علنی بررسی شده در صورتی که این گزارش‌ها باید هر سال به صورت جداگانه و با دقت بررسی شود.

ونوس عامری در گفتگو با پرگار می‌گوید: یکی از مهمترین کارهایی که همزمان با شروع به کار شورای پنجم آغاز شد، بررسی گزارش‌های حسابرسی سال‌های ۹۴ و ۹۵ بود که متأسفانه هیچ گزارشی بابت سال‌های ۹۳ تا ۹۵ از سوی شورای چهارم به وزارت کشور فرستاده نشده بود.

عضو شورای شهر دوره پنجم یزد در مورد آنچه برای حسابرسی سال ۹۴ تا ۹۶ اتفاق افتاده، به این نکته اشاره می‌کند که شورای پنجم با استخدام یک موسسه حسابرسی درجه‌ی الف، اقدام به رسیدگی به حساب‌های این سال‌ها کرد که بر اساس گزارش نهایی این موسسه مبلغ ۱۴۱ میلیارد و ۶۰۰

میلیون تومان مغایرت در حساب اسناد دریافتی شهرداری یزد دیده شد. علاوه بر آن مغایرت‌ها و ابهامات جدی مانند عدم شناسایی املاک شهرداری، وصول چک‌های برگشتی و حساب‌های دریافتی راكد نیز در گزارش حسابرسی درج گردیده است.

عامری در مورد گزارش مالی سال ۹۳ شهرداری یزد می‌گوید: سال ۹۳ که همزمان با شروع به کار شورای چهارم بوده، از مغایرت ۳۰ میلیاردی در بودجه شهر به شورا گزارش شده بود که متأسفانه نه اعضای شورای چهارم و نه شهردار وقت و معاونت مربوطه آن موضوع را پیگیری نکرده و به حال خود رها کردند.

عامری درباره حساب‌های سال ۹۴ تا ۹۶ که محل اختلاف فعلی است، به این موضوع تاکید دارد که حسابرس گزارش مشروط داده شده که این به معناست گزارش به شرط رفع بندهای ذکر شده می‌تواند مقبول باشد در صورتی که هیچکدام بررسی و اصلاح نگردیده بود.

شورای شهر پنجم یزد برای بررسی دقیق صورت‌های مالی شهرداری و شفافیت حداکثری و مبارزه با فساد و تحقق شعار خود تصمیم به تشکیل کمیته حسابرسی گرفت. این کمیته شامل ۳ حسابرس رسمی از بیرون و ۳ عضو شورا و یکی نماینده شهرداری است.

● چک‌های در گونی مانده

به گفته‌ی رئیس کمیسیون بودجه شورای یزد ماجرای تخلفات مالی شهرداری یزد داستانی طولانی بوده و است که هر چندماه یکبار هم گزارشی تازه، برگی دیگر بر این پرونده اضافه کرده و می‌کند. آنچه شورای کنونی تخلف شهرداری می‌داند نتیجه گزارش حسابرسی سال‌های قبل است و به نظر می‌آید این روند هنوز هم ادامه پیدا خواهد کرد.

ونوس عامری از حساب‌های پرداختی راكد، به عنوان یکی دیگر بندهای گزارش‌های مالی شهرداری نام می‌برد و ادامه می‌دهد: زمانی که ما وارد بحث حساب‌های دریافتی راكد شدیم، فهمیدیم که هر سال حجم بزرگی از مطالبات شهرداری دریافت نشده است که منجر به میلیاردها تومان مانده حساب‌های دریافتی راكد در حساب‌های شهرداری گردید.

عامری در ادامه با تاکید بر این موضوع که شورای پنجم



هستند از خطای سیستمی! بود و این فاجعه است که سیستم حسابداری که نباید حتی یک ریال خطا داشته باشد بطور معمول ۴۰ میلیارد تومان ارقام را با اختلاف نشان می دهد و در طی تمام سال های گذشته هیچ اقدامی بابت اصلاحش انجام نشده و اصلا متوجه هم نشده بود.

عامری در پاسخ به این سؤال که آیا گم شدن چکها به سیستم نرم‌افزاری شهرداری مرتبط بوده، می‌گوید: خیر، گم شدن چک ها از کوتاهی مسئولین مربوطه و عدم نظارت دقیق شورای وقت بود و بخشی از مغایرت های مالی مربوط به سیستم نرم‌افزاری شهرداری است که به شیوه‌ای بود که امکان مقایسه مانده ها را نمی‌داد. نرم افزار به قدری بد و ضعیف طراحی شده بود که کسی نمی‌توانست از آن اطلاعات صحیح و قابل اعتماد استخراج کند یا گزارشی بنویسد و حتی سرنوشت هیچ چکی را نمی‌شد در آن ثبت کرد اما خوشبختانه بعد از این اتفاقات در ظرف دو سال این اشکالات تا حدی حل شد و در حال حاضر سیستم به سوی شفافیت در حال اصلاح است البته هنوز ایراداتی وجود دارد.

● خودمائی سپاری!

کمیته حسابرسی شورای شهر جهت ساماندهی و سرعت بخشیدن به انبوه چک های برگشتی شهرداری پیشنهاد برون سپاری وصول این چک ها را به شهرداری می دهد. اما آنطور که عامری می‌گوید شرکت‌ها برون سپاری نشدند بلکه خودمائی سپاری! شدند. چرا که شرکت‌هایی که در

تصمیم گرفت تا این چک‌های راکد را به جریان بیاورد، ادامه می‌دهد: اعضای شورا تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا چک‌هایی که از سال ۷۳ تا ۱۳۹۶ در گونی مانده بود را سر و سامان بدهند تا به وجه نقد تبدیل و برای این شهر خرج شوند. به گفته‌ی این عضو شورا، متاسفانه فرآیندی در شهرداری برای چک‌های برگشتی تعریف نشده بود.

● ایرادات سیستمی!

او این نکته را اضافه می‌کند که طی بررسی لیست مغایرت‌ها متوجه شدیم که در سال ۹۸، دو هزار نهصد و شصت و پنج قطعه چک مفقود است هیچ اثری از آنها نیست و ردیابی آنها را در دستور کار گذاشتیم و با ناباوری متوجه شدیم که هیچ رسیدی از واگذاری این چک ها در دسترس نیست با کوشش و پیگیری بسیار سازمان فاوای شهرداری توانست لیستی از آنها به تیم حسابرسی بدهد که نمی‌توانست همه چک ها را نشان بدهد.

عامری ادامه می دهد: هنوز حدود ۶۰۰ چک وضعیتش نامعلوم است و این نشان دهنده وضعیت بسیار آشفته فرایند مالی در شهرداری یزد بود. همچنین بابت پیگیری مغایرت های اسناد دریافتنی آخرین گزارشی که به شورا ارسال شد از ۱۴۲ میلیارد تومان مغایرت ۶۰ میلیارد تومان از چک های دریافتی را با چک های جدید عوض کرده اما این معاوضه ثبت نشده بوده، حدود ۳۰ میلیارد تومان چک را پس داده‌اند اما دلیلش مشخص نیست، و ۴۲ میلیارد تومان هم مدعی

مغایرت هاست، اشاره می‌کند و می‌گوید: تاکنون هیچ لیستی از املاک شهرداری در دسترس نیست و کسی نمی‌داند شهرداری چند قطعه زمین و با چه ارزشی در اختیار دارد که این عدم اطلاع، دارایی‌های شهرداری را در معرض خطر قرار می‌دهد، به این دلیل که ممکن است هر کسی بتواند آنها را تصرف کرده و بفروشد و ما اصلاً در جریان قرار نگیریم.

او اینطور توضیح می‌دهد: زمانی که درخواستی از لیست املاک شهرداری کردیم، تنها برای ما ۴۰ سند فرستاده شد و از مابقی املاک و اسناد اطلاعاتی در دسترس نبود و حتی در طول تمام این سال‌ها سعی نشده تا لیستی برای زمین‌های اختصاصی شهرداری تهیه شود. در حالی که طبق استعلام ما از ثبت املاک ۹ هزار پلاک مربوط به شهرداری اعلام شد و این اختلاف ۹۰۰۰ تا ۴۰ پلاک در تعداد زمین شهرداری تکان دهنده است.

● مدیران پاسخگو و شفافیت شهرداری‌ها

از دید این عضو شورای شهر، مهم‌ترین ابزار مبارزه با این فساد، ایجاد شفافیت و پاسخگو بودن تصمیم‌گیرنده در مقابل افکار عمومی است. هیچ ابزار و هیچ نهاد نظارتی در کاهش فساد موثرتر از افکار عمومی و نظارت همگانی نیست. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که شفافیت و ایجاد مطالبه‌گری برای پاسخگو بودن مدیران شهری از مهم‌ترین مسیرهای مبارزه با فساد است. اما از سوی دیگر بعضی از افراد هم می‌گویند طی دو سال گذشته شفافیت نتوانسته باعث بهبود سیستم مالی شهرداری شود، به این معنا که با وجود فعالیت و پیگیری اعضای دوره پنجم شورای شهر، رویه‌های گذشته تکرار می‌شود. اما ونوس عامری می‌گوید این موضوع باید به صورت مقایسه‌ای و نسبت به دوره‌های گذشته مورد بررسی قرار گیرد. درست است که ممکن است چرخه فساد در برخی موارد همچنان ادامه داشته باشد، اما به دلیل ایجاد حساسیت عمومی و همین‌طور نهایی شدن گام‌های اولیه برای ایجاد شفافیت، حجم آن نسبت به گذشته کاهش یافته است و بدون ورود نهادهای قضایی و نظارتی مشکل برطرف نخواهد شد.

شهرداری یزد در تابستان ۹۷ سامانه شفافیت شهرداری یزد را راه‌اندازی کرد. این سامانه شامل اطلاعاتی از قبیل بودجه سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شهرداری، گزارش عملکرد سالانه، قراردادهای شهرداری، چارت تشکیلاتی شهرداری یزد، فرآیندها، مزایادات و مناقصات شهرداری و سایر اطلاعاتی شامل حقوق شهروندی، قیمت منطقه‌ای، ضوابط بافت تاریخی یزد،

این زمینه فعالیت دارند، صلاحیت این کار را ندارند و کار به شرکت‌هایی سپرده شده که سهامدارش تعداد زیادی از مدیران و کارکنان شهرداری هستند. این شرکت‌ها همیشه در شهرداری برنده مناقصاتند و از آبیاری پارک‌ها تا وصول چک‌ها و شناسایی املاک شهرداری را انجام می‌دهند! به همین دلیل روند وصول چک‌های شهرداری بسیار با اما و اگر و کند پیش می‌رود. بعضی از افراد تلاش می‌کنند تا به هر صورتی کاری انجام نشود.

او ادامه می‌دهد: به شرکت اول ۸/۸ میلیارد تومان چک برگشتی تحویل داده شد که بعد از سه سال ۷/۵ (هفت و نیم) میلیارد تومان وصول و ۱/۳ (یک میلیارد و سیصد) میلیارد تومان در حال بررسی است. به شرکت دوم ۱۶/۹ (شانزده میلیارد و نهصد) میلیارد تومان چک برگشتی تحویل داده شد که فقط ۶/۸ میلیارد آن ظرف ۳ سال تعیین تکلیف کرده است. در نهایت به شرکت سوم ۱۷/۶ میلیارد تومان چک برگشتی تحویل داده شد که تنها طی دو سال ۹/۹ میلیارد تومان آن تعیین تکلیف شده است.

● از ماجرا ساده گذشتند

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر یکی از موانع پیش روی مبارزه با فساد در مدیریت شهری را تضاد منافع گروه‌های مختلف در این حوزه می‌داند و ادامه می‌دهد: متأسفانه بعد از اینکه ما گزارش‌ها را به مقامات نظارتی دادیم هیچ اتفاقی نیفتاد. در حالی که ما یک جشنواره عروسکی برگزار کردیم ۲۰۰ میلیون تومان بابت قسط اول جشنواره طبق قرارداد به خانه عروسک پرداخت شد اما بابت این موضوع، سازمان بازرسی از کارمندان ما ۱۵ بار بازخواست کرد ولی به راحتی از ۱۴۰ میلیارد تومان مغایرت مالی گذشت.

رئیس کمیسیون بودجه شورا در ادامه ی‌صحبت‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که از ابتدای شروع به کار شورای پنجم که گزارش‌های حسابرسی سال‌های قبل را بررسی می‌کردیم متوجه ابهامات بسیار زیادی در اسناد مالی شهرداری شدیم که این ابهامات مانند نبود اطلاع دقیق از املاک و اموال شهرداری نتیجه ایرادات اساسی و نبود شفافیت در فرایندها بود.

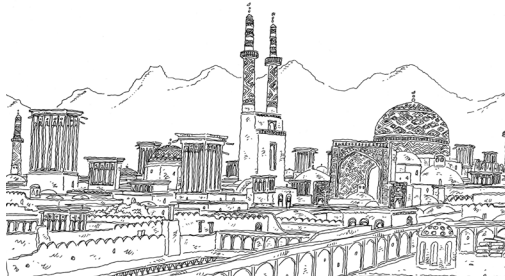
● شوک بزرگ!

عامری به بحث املاک به عنوان یکی از دارایی‌های بزرگ شهرداری که ارزش ریالی آن میلیاردها تومان بیشتر از رقم

یزد، شهر برندهای رنگارنگ

برندهای امروز، چشم انداز فردا

فاطمه رهبر



در حالی که تاکنون شهر یزد، صاحب برندهای متعددی شده و انتظار تغییرات چشمگیری در این باره وجود داشته اما به نظر می رسد در شهر یزد این برندها بیشتر چشم اندازی برای توسعه مدیریت شهری خواهند بود. برندها از وقتی مهم شدند که پای رقابت در توسعه و مدیریت شهری باز شد و توانستند در سیاست گذاری‌ها، تدوین چشم‌اندازها و حتی در اقتصاد شهرها خصوصا در حوزه گردشگری نقش آفرینی کنند. عطش برندسازی پس از ثبت جهانی یزد قوت گرفت و توانست پای یزد را به مجامع ملی و بین‌المللی متعددی باز کند اما دستاورد برندها چیست؟

جهت‌دهی نرم افزاری و سخت افزاری شهری با برندها

شهردار یزد با اشاره به این که عناوین رسمی وظایفی را به شهر تحمیل می‌کنند، تصریح می‌کند: برای داشتن عناوین رسمی مورد ارزیابی قرار می‌گیریم و پس از اخذ آن عناوین خصوصا براساس درجه و اهمیت اعطا و اعتبار آن نیز باید برای حفظ آن‌ها برنامه ریزی کرده و اقدام کنیم.

عزیزی با بیان این که برندها در سیاست گذاری‌های شهری، زیرساخت‌ها و همچنین در نرم افزار و برنامه‌ها تاثیرگذار هستند، می‌گوید: مثلا اگر یزد شهر پایلوت دسترس پذیری ایران نبود شاید طرح‌های متعدد مربوط به این مهم، انجام نشده بود و مصادیق دیگر نیز در این باره وجود دارد.

وی اضافه می‌کند: یزد عضو شبکه جهانی شهرهای یادگیرنده است که باید براساس برنامه‌های این عنوان مراکز دانشگاهی حداقل حضوری در مدیریت شهری داشته باشند و علاوه بر آن نیز وظایف دیگری وجود دارد که به دنبال اخذ این عنوان اعمال شد.

این مسئول با بیان این که اخذ بسیاری از عناوین نیز ما

یزد نیز چند سالی است که برندسازی را به عنوان یکی از رویکردهای مهم در سیاست گذاری شهر مورد توجه قرار داده و در کسب عناوین مورد تایید مجامع ملی و بین‌المللی کوشیده است به طوری که تاکنون توانسته‌ایم عناوین متعددی مانند شهر میراث جهانی، شهر در دسترس، پایتخت شهرهای پایدار، پایتخت کتاب ایران و ... را کسب کنیم. اما شاید از خود بپرسیم کسب عناوین و برندها چه اهمیت و نقشی دارند؟

شهردار یزد نیز در این باره اظهار می‌کند: برندها شامل دو دسته غیررسمی و محاوره‌ای و رسمی هستند که هر دو برند در مجموع، منجر به معرفی شهر می‌شوند.

جمال‌الدین عزیزی با بیان این که عناوینی مانند شهر قنات و قنوت و قناعت، حسینیه ایران، دارالعلم، شهر آرزوها و دیگر عناوین بدون آن که ثبت شوند به صورت غیررسمی و محاوره‌ای منجر به معرفی یزد می‌شوند، می‌گوید: در این میان عناوینی مانند شهر پایدار، شهر یادگیرنده و از همه مهمتر شهر میراث جهانی به صورت رسمی توسط مجامع ملی و بین‌المللی به یزد اختصاص یافته‌اند.

را ملزم به رعایت بسیاری از استانداردها می‌کند، می‌گوید: اگر بسیاری از استانداردها رعایت نشوند نمی‌توانیم صاحب عنوان و برندهای متعدد شویم.

و گردشگران شهر را با آن ویژگی‌ها ترسیم کند که هنوز در این باره موفق نبودیم.

وی تصریح می‌کند: البته همه برندها از نظر معرفی داشته‌های یزد مفید و موثر هستند و در هر موضوعی می‌توانند داشته‌های یزد را معرفی کنند.

فاطمی با بیان این که هر برند و عنوان کسب شده می‌تواند توجه گروه خاصی را به ویژگی‌های این شهر جلب کند، می‌گوید: وقتی یزد به عنوان شهر دسترس پذیر اعلام می‌شود، افراد دارای محدودیت به سمت این شهر جلب می‌شوند و می‌تواند در سیاست گذاری‌های شهری نیز مورد توجه قرار بگیرند.

وی با بیان این که اعتباری جهانی مانند شهر میراث جهانی منجر به باور رسیدن یک ویژگی می‌شود، تصریح می‌کند: پذیرش این اعتبار و داشته از سوی مجامع بین المللی می‌تواند منجر به ارتقای اعتبار بخشی به ساختار شهری یزد شده و تاثیر آن در گردشگری نیز بسیار زیاد است.

● شهر میراث جهانی در سفره بی اعتباری

پس از ثبت یزد در فهرست آثار جهانی هر چند یزد توانست خود را در مجامع بین‌المللی مطرح کند اما به واسطه تحریم‌ها و مسائل سیاسی نتوانسته تاکنون بهره‌ای از ظرفیت‌های جهانی مانند ابزارهای تبلیغاتی یونسکو ببرد. اعتبار چندانی هم عاید یزد نشد به طوری که وزیر گردشگری نیز در این باره به وعده پیگیری نمایندگان در خصوص جذب اعتبارات بسنده کرد و رییس جمهور هم در سفر خود به یزد در خصوص اعتبار ویژه ثبت جهانی آب پاکی را را روی دست یزدی‌ها خصوصا در مورد بافت جهانی ریخت.

با این وجود برندها همواره روزه‌های امید جذب اعتبارات اختصاصی تری برای شهرها محسوب می‌شوند و می‌توانند از مجامع جهانی و ملی، اعتباراتی را جذب کنند. البته علاوه بر برندهای شهری یزد در زمینه‌های متعدد دیگری مانند شهر پایتخت کتاب شده است اما آنچه بیشتر از همه به نظر می‌رسد طبل توخالی برندهایی است که بعضا دستاوردهایشان برای یزد نیز منفی بوده است، مطرح شدن یزد به عنوان یکی از قطب‌های گردشگری سلامت یکی از همین برندهاست.

شهردار یزد با بیان این که عضویت شهرها در شبکه‌های مختلف مدیریت شهری و داشتن برندها یکی از موارد بسیار مهم در حوزه گردشگری است، تصریح می‌کند: در حوزه گردشگری و توجه گردشگران به یزد، برندهایی معتبر خصوصا با عناوین بین‌المللی یکی از الزامات شهری برای توسعه گردشگری است.

● برند، لباس نیست

مدیرکل میراث فرهنگی یزد در خصوص برندهای متعدد یزد تصریح می‌کند: هر شهری به دنبال برندسازی برای معرفی خود به مردم است، اما لزوما برندهای کسب شده برند شهری نیستند.

سیدمصطفی فاطمی اضافه می‌کند: برندهای شهری برندهای واحدی با جنبه عمومیت برای مردم هستند که به نظر می‌رسد بیش از همه عناوین کسب شده، شهر میراث جهانی جنبه عمومی تری دارد.

وی با اشاره به این که برند باید به تن شهر بچسبد، تصریح کرد: برند نباید ساختار لباس داشته باشد و گاهی از تن شهر بیرون آمده و گاهی آن را بپوشاند، بلکه باید جزئی از شهر باشد البته برخی از برندها هم در کنار برندهای اصلی قرار می‌گیرند که نمونه این برندها را می‌توانیم شهر در دسترس و پایتخت شهرهای پایدار جهان بدانیم.

این مسئول با اشاره به این که برخی از برندها از گذشته و در ادوار مختلف برای یزد وجود داشته و بعضا منسوخ شده یا فراموش شده‌اند، می‌گویند: برندهایی مانند شهر دوچرخه‌ها جزو چنین برندهاست و بعضا برندهایی مانند یزد شهر دارلعباده، دارالعلم، شهر بادگیرها، حسینیه ایران و شهر همزیستی ادیان از عناوینی هستند که از گذشته تاکنون وجود دارند.

● هنوز برند واحد شهری نداریم

مدیرکل میراث فرهنگی یزد با اشاره به این که هنوز یزد نتوانسته برند ثابت و واحد شهری برای خود داشته باشد، می‌گوید: عنوان شهر باید دربرگیرنده ویژگی‌ها و داشته‌های شهر باشد و با یک عنوان بتواند در اذهان مردم

چه کارها که برایش نمی کنیم
سال هاست برای حفظش از تمام اصولمان عبور می کنیم
تلاش می کنیم تا اصولمان را عوض کنیم
تمام ارزش گذاری هایمان نسبت به ورود و خروجش تنظیم می شود
ما بیمار شده ایم به مرض استسقا
اگر همه آنچه داریم، خراب کنیم؛ باز عطش ساخت پارکینگ هلاکمان می کند.

پارکینگ علیچی، محله امیر چقماق
محمد هادی آخوندی





گزارش میدانی از بازار پرنوسان تلفن همراه:

بازار موبایل در کش و قوس قیمت‌ها

مریم دره شبیری

البته گرانی و افزایش قیمت، کمی هم سلیقه مردم را تغییر داده و برند شیائومی که تا پیش از این مورد استقبال چندانی قرار نمی گرفت حالا به دلیل بهای ارزان تر نسبت به برندهای دیگر، رشد فروش بالایی را در سال گذشته تجربه کرده است. یزدی‌ها اما در این میان هنوز به دنبال محصولات سامسونگ و هواوی هستند و به گفته فروشندگان پاساژ شهاب، ترجیح می دهند به جای اینکه به دنبال خرید برندهای متفرقه باشد، گوشی‌های دست دوم از این دو برند را خریداری کنند.

افزایش ۶۰ تا ۷۰ درصدی قیمت موبایل، در کنار نابسامانی وضعیت اقتصادی مردم، همچنین سبب افزایش خرید و فروش گوشی‌های غیرهوشمند و رونق بخش تعمیرات هم شده است و بیشتر فروشندگان که تا پیش از این، بخش تعمیرات را در حاشیه مغازه‌ها داشتند حالا اما آن را بخش اصلی و حتی پرکارتر از بخش فروش در نظر می گیرند و اذعان دارند که در دو سال اخیر، این مقدار تقاضا برای تعمیرات بی سابقه بوده است و دلیل آن این است که به عنوان مثال اگر تا پیش از این ال سی دی یک گوشی آسیب می دید، مشتری ترجیح می داد آن را با گوشی جدید تعویض کند چون قیمت خرید موبایل جدید و تعمیر موبایل، تنها حدود ۴۰۰ هزار تومان تفاوت داشت اما اکنون این نسبت دیگر وجود ندارد و قیمت خرید و تعمیرات، زمین تا آسمان فرق می کند.

گرانی گوشی‌های موبایل به گفته کارشناسان روی دیگری هم دارد و آن سیاست‌های دولت در برخورد با قاچاق کالا و الزام ساختن ریجیستر تلفن همراه در مبادی ورودی و خروجی است که اگرچه موجب منظم شدن سیستم واردات شده اما افزایش قیمت گوشی را هم در پی داشته است.

آخرین آمار طرح برخورداری خانوارها از تلفن همراه در کشور، نشان می دهد بیش از ۹۵ درصد جمعیت کل کشور از تلفن همراه استفاده می کنند که سهم شهرها ۷۶ و روستاییان ۲۴ درصد است. آمارهای جدید همچنین از واردات ۱۴ میلیون دستگاه تلفن همراه در سال گذشته خبر می دهند که به گفته معاون فنی گمرک ایران، این رقم نسبت به سال ۹۸ حدود ۲۰ درصد افزایش داشته است.

در سال گذشته شرکت سامسونگ توانسته ۷ میلیون و ۱۴۳ هزار دستگاه را در کشور به فروش برساند که این یعنی این شرکت با وجود خروج از بازار ایران به دلیل تحریم‌ها، هنوز هم بالاترین سرانه مصرف در کشور را داراست و سهم ۵۳ درصدی در بازار را به خود اختصاص داده است.

در سال جدید، اتفاقات جدیدی نیز در بازار موبایل رقم خورده است و زمره های مبنی بر حذف تحریم ها و کاهش قیمت دلار، توانسته قیمت موبایل را تا ۱۵ درصد کاهش دهد. همین کاهش قیمت موجب ایجاد کسادی در خرید و فروش موبایل های کارکرده از سوی مردم شده است. حالا در بازار نقش فروشنده و خریدار تفاوت پیدا کرده است. از طرفی فروشندگان موبایل برای خرید مرددند و از سویی به دلیل نبود هیچ ضمانتی برای کاهش قیمت بیشتر، مردم نیز دچار شک و دودلی اند.

فروشنندگان معتقدند موبایل طی هفته های آینده، دوباره قیمت افزایشی را تجربه خواهد کرد. این کاهش قیمت تنها در مدت کوتاهی دوام می آورد و سیاست موجب تغییر رویه قیمت ها شده است مردم اما همچنان امیدوار دست نگه داشته اند تا شاید در پس این بحران اقتصادی، زمان مناسبی برای خرید موبایل پیش بیاید اما تجربه این سال های اخیر نشان داده است که تا بازار تقاضا برای خرید کم می شود، قیمت ها افزایش پیدا می کند و مردم از ترس دوباره گران شدن کالا، برای خرید صف می بندند و این ترس و رفتار اقتصادی مردم برای خرید کالای گران شده، همیشه ترفندی برای خالی کردن جیب مردم بوده است. باید منتظر ماند و دید که رفع تحریم ها می تواند دوباره جان تازه ای به بازار موبایل بدهد یا سایه سنگین گرانی همچنان بر سر این بازار خواهد ماند.

اما آنچه بیش از افزایش قیمت، موجب کسادی بازار موبایل در یزد شده، نوسان دائمی قیمت بوده است که به گفته کسبه این صنف، در برابر این مشکل، کرونا و اجاره بها و دیگر مشکلات اصلا به چشم نمی آیند. عدم ثباتی که از یک سو فروشندگان را عاصی کرده و از سوی دیگر مشتریان را سردرگم نگه داشته است. فروشندگانی که برای چند درصد قیمت بالاتر، باید پیوسته قیمت ها را کنترل کنند و مشتریانی که برای چند درصد قیمت پایین تر، باید منتظر بمانند.

اما تاثیر کرونا بر بازار موبایل با دیگر اصناف، داستان متفاوتی دارد. بیشترین آمار خرید و فروش موبایل در یزد، طی ماه های شهریور و مهر و به دلیل نیاز دانش آموزان به گوشی های تلفن همراه هوشمند صورت گرفته است و این یعنی کرونا برخلاف دیگر بازارها، با بازار موبایل دوستانه تر برخورد کرده است و با تعطیلی آموزشگاه ها و مدارس توانسته این بازار را حتی به مدت کوتاه رونق بخشد.

هرچند اتحادیه صنف دستگاه های مخابراتی و ارتباطی یزد در این میان بیکار نمانده است و با ارسال نامه ای به استاندار یزد خواستار تخصیص وام کم بهره با پرداخت بلندمدت به کسبه بازار موبایل شده ولی تا کنون هیچ کدام از فروشندگان از اعطای این وام بهره مند نشده اند. وامی که در برخی از استان های کشور به فعالان این حوزه در بازه مبلغ ۱۲ تا ۱۶ میلیون اعطا شده است تا این وام بتواند بخشی از شرایط دشوار این روزها را هموار کند.



نوستالژیک‌ترین خیابان شهرم

قیام، بخشی از هویت ما یزدی‌هاست

تغییر، لازمه و همراه همیشگی زندگی و ادامه‌ی آن است. آدم‌ها تغییر می‌کنند. سن که بالا می‌رود تجربه، آن‌ها را محتاط‌تر می‌کند. شهر هم همین‌طور. خیابان‌ها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، حتی شغل‌ها هم تغییر می‌کنند و می‌شوند همانی که زمانه می‌طلبد. تغییر اجتناب‌ناپذیر است. تغییر بافت شهری و اجزایش اما با تغییر آدم‌ها و خیلی چیزهای دیگر فرق می‌کند. این تغییر گاه بنیادین است و گاه جزئی و اصلی‌ترین دلیلش هم زیباتر و چشم‌نوازتر شدن است. اما به نظر من تغییر برای بعضی چیزها به مثابه سم است، سمی مهلک که جان‌شان را، اصالت و هویت‌شان را می‌گیرد.

مهسا رشتی‌پور

و روایت در آن نهفته است. نوستالژیک‌ترین و آشنا‌ترین خیابان تاریخ‌دار برای ما یزدی‌ها و حتی خیلی از غیر یزدی‌های عاشق سفر، تاریخ و یزد، آدم‌هایی که هر بار به شهرمان می‌آیند محال است این خیابان را از قلم بیان‌اند. دقیقاً نمی‌دانم کجا یا چه چیز، آن را برای خیلی از ما و آن‌ها جذاب کرده؟! به واسطه‌ی اماکن تاریخی، بازارها، سبک معماری و بافت تاریخی‌اش، یا پارچه‌ها، عطاری‌ها، طلا، مس یا هر چیز جذاب دیگری که در آن عرضه می‌شود، اما می‌دانم یکی از معدود جاهایی است که تمام اقشار و از تمامی طبقات به آن رفت و آمد دارند و جالب اینکه بدون اغراق محال است قدم به آن به بگذاری و یک آشنا یا دلچسب‌تر از آن یک جمع ۴-۵ نفره یا گاه بزرگ‌تر از آن که خیلی زود متوجه می‌شوی برای خرید عروسی آمده‌اند، نبینی. برای هر کدام از ما اتفاقی، خریدی یا حتی کشف لحظه یا مکانی باعث شده این خیابان به خاطر تبدیل شود و به آن احساس تعلق کنیم. قیام بخش دوست‌داشتنی گذشته ما است.

خیابان قیام در سال ۱۳۲۲ ه.ش در دوران پهلوی اول و حکومت رضا شاه و در قلب شهر یزد احداث شد و بازار یزد را به دو نیم کرد. فارغ از اینکه خیلی‌ها به دلیل از بین رفتن انسجام بازار و تخریب بخشی از فضاهای اصلی آن، احداث قیام را از پایه نادرست می‌دانند و حتی فارغ از اهمیت‌اش به واسطه قرار گرفتن در مرکز شهر و همجواری‌اش با بازار ارزشمندترین آثار تاریخی شهر، برای من خوشایند است که این خیابان با قدمت حدود ۸۰ سال، با وجود فرسودگی کالبدی، آجرهای بی‌رمق و رنگ‌هایی که بی‌جان شده، همچنان هویت خود را حفظ کرده و به محض ورود پرت می‌کند به سال‌های دور و یکی از دلایل محبوبیت‌اش هم برای خیلی‌ها همین حس نوستالژیک‌اش است.

قیام یکی از نمادهای پُرنگ یزد است، یک سر آن امیرچخماق معروف قرار دارد و طرف دیگر آن میدان بعثت یا میدان شاه سابق که البته الان سال‌هاست دیگر اثری از آن نیست. این خیابان اصالت دارد و هزاران خاطره



گفتند: «حیف، کاش از این پارچه یا مس یا شیرینی چند تایی دیگر هم برمی داشتیم». و همین یک جمله کافی بود تا دو روز دیگر گذشت و گذار در قیام رقم بخورد. بزرگتر که شدم اما، رفت و آمد به آن محدود شد به سالی سیکندری یک بار و آمدن مهمانان غیریزدیمان. حالا اما مدتی است دوباره هر چند وقت یک بار دلم هوایش را می کند و بدون هیچ هدف خاصی و تنها برای تجدید حس‌هایی که از گذشته در درونم مانده و من را از زمان دور و آرامم می کند، راهی آن می شوم.

همه این‌ها را گفتم که یادمان نرود این خیابان فارغ از تمام چیزهایی که باعث ارزش و اعتبارش شده، جدا از معماری بی نظیر، دکان‌های جا مانده در دهه ۴۰ و ۵۰، پیاده‌روهای باریک، بوی ادویه، شمدهای رقصان در باد، آینه شمعدان‌های قدیمی صف شده کنار خیابان، کت شلوارهای آفتاب خورده دامادی، ورودی‌های جذاب بازارها، آدم‌های دوست‌داشتنی، مرمت‌های ناشیانه و حتی کج سلیقگی‌ها و رونقی همیشگی، برای‌مان یادآور هویت و اصالت‌مان است. بدون شک قیام برای همه‌ی ما پُر از خاطره است و دوست داشتنی.

اولین مواجهه من با این خیابان برمی گردد به حدود سی سال قبل. قرار بود ادویه بخیریم و شیرینی و چند روز بعدتر عازم سفری شویم. که قطعاً بدون سوغات نمی‌شد. انگار آن موقع‌ها قانونی نانوشته می‌گفت تمام سوغات یزد را فقط باید از این محدوده تهیه کرد، شاید هم جای دیگری نبود، نمی‌دانم. خلاصه یادم است آن روز این خیابان را تا ته رفتیم و برگشتیم. بعد از آن هم همیشه همین بود. انگار وقتی قصد رفتن به این خیابان را می‌کردی باید حتماً از ابتدا تا انتهای آن را پیاده گز می‌کردی، حالا در این میان راسته‌های بازارها هم بودند که ورودیشان در قیام بود. این عادت را در خیلی از اطرافیانم هم می‌دیدم، حتی همین امروز که خیلی کمتر گذارمان به آن می‌افتد.

مهمان هم که داشتیم همین بود، دست مهمانان غیریزدیمان را می‌گرفتیم و به این خیابان می‌بردیم و آخر سر هم با دست‌هایی پُر از شیرینی و ادویه و پارچه‌های یزدی و صابون و سفیداب و مس و گاه طلا برمی‌گشتیم خانه. البته اکثر مواقع گذشت و گذار در این خیابان به روز دوم و سوم هم می‌کشید. بسته‌های خرید که باز و صحبت‌ها در مورد هر کدام به طور مجزا تمام می‌شد، می



آزمودگان

پیشنهادی به فرهنگستان زبان و ادب فارسی

حسین مسرت

سال‌ها بر این باور بودم که واژه «بازنشسته» واژه‌ای در خور و مناسب برای این گروه محترم و عزیز جامعه نیست. افرادی که عمری را با آبرومندی، تلاش و همت پشت سر گذاشته‌اند. حال خوب نیست بدانان «بازنشسته» گفت. این واژه از هر نظر هیچ تناسبی با خدمات، سابقه و وضعیت فعلی آنان ندارد و به راستی واژه‌ای بی‌هویت به نظر می‌رسد. از این رو اکنون که با خبر شدم فرهنگستان زبان و ادب فارسی درصدد دگرگونی برخی واژگان است، این جانب با توجه به تجربه‌ها، دانش و معرفت گروه‌های گوناگون شغلی، علمی و عملی افرادی که پس از یک عمر کار و تجربه و آزمایش به استراحت می‌پردازند، واژه بسیار با معنا، زیبا و فارسی:

«آزموده» را پیشنهاد می‌کنم که در خور و مناسب برای آنان است که دنیا و مافی‌ها را دیده و آزموده‌اند و برای جمع آنان واژه «آزمودگان» را پیشنهاد می‌کنم و به پیرو آن پیشنهاد می‌شود سازمان بازنشستگان کشوری به «سازمان آزمودگان کشوری» تغییر نام یابد.

شما چه حقی دارید؟

عملکرد مراکز درمانی یزد در حوزه حقوق شهروندی

آیا تاکنون حس کرده اید که کرامت انسانی شما خدشه دار شده است؟ یا طی حضور در جامعه احساس کرده اید حقی از شما تضییع می شود؟ اصلاً حقوق خود را به عنوان یک شهروند می شناسید؟ حقوق دیگران را چطور؟ شما درباره منشور حقوق شهروندی چه می دانید؟ بدون تردید گذرتان به مراکز درمانی و بهداشتی افتاده است، در این مراکز به تابلوی منشور حقوق بیمار، منشور حقوق پزشک، منشور حقوق کارکنان، منشور حقوق متقابل بیمار و داروخانه یا منشورهایی از این دست توجه کرده اید؟

مریم بهرامی

● رخداد اول؛

به عنوان یک شهروند و نه یک گزارش نویس وارد یک مرکز درمانی می شویم. سعی داریم زاویه نگاهمان را به موارد ظریفی متمرکز کنیم که ابعاد حقوق شهروندی را دربردارد. اکنون در یک درمانگاه در یکی از شهرستان های استان یزد قرار داریم. ما و چندین نفر دیگر منتظریم تماس تلفنی کارمند تمام شود تا دفترچه هایمان را تحویل بگیرد.

تلفن کارمند تمام نشده که یکی از مراجعان از کوره در می رود و با صدای بلند خواستار قطع تماس و تحویل دفترچه اش می شود. کارمند تماس را قطع می کند، دفترچه بیمار را می گیرد و در حالی که دفترچه را به طور کوبنده ای به سمتش رها می کند، با صدایی بلندتر از معمول می گوید: مگر نگفتم به باجه آن طرف برو!

مراجعه کننده نیز دفترچه اش را برمی دارد و با سکوتی تلخ به سویی دیگر می رود. مردی است با پیراهن و شلوار راحتی، بدون تشریفات و بعضاً رعایت آداب اجتماعی؛ بومی است و به نظر می رسد کارگر و از طبقه اقتصادی اجتماعی پایین. البته فرقی نمی کند کارگر باشد یا کارفرما. چرا که حقوق شهروندی به همه تابعان یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه اجتماعی و اقتصادی تعلق می گیرد.

● رخداد دوم؛

وارد یک مرکز درمانی دیگر در مرکز شهر می شویم. طبق نوبت، ما چهارمین نفری هستیم که باید وارد اتاق پزشک شویم. ساعت مراجعه ما ۹ صبح تعیین شده بود و اکنون ساعت یازده است و هنوز پزشک در محل حاضر نشده است.

از یکی از کارمندان بخش خواستیم که چون همراهمان از همکاران حوزه بهداشت و درمان بوده است، ما را زودتر وارد اتاق پزشک کند و وی نیز پس از سلام و احوال پرسی فراوان، با احترام ویژه نوبت ما را از چهارم به اول تغییر می دهد. ساعت ۱۱ و نیم است و چون هنوز پزشک نیامده است، از نوبت خود صرف نظر کرده و بیمارستان را ترک می کنیم.

● رخداد سوم؛

طبقه شرفی که به گفته خودش برای خلاصی از دغدغه های مراکز درمانی به مطب دکتر زنان مراجعه کرده

است، می‌گوید: برای سونوگرافی وارد اتاق پزشک شدم و او در حالی از من خواست که برای انجام سونو آماده شوم که با فرد دیگری نیز در حال صحبت و منشی‌اش نیز در اتاق در حال رفت‌وآمد بود.

او می‌گوید: وجود کیست و یا فیبروم به اندازه فلان سانت در سمت چپ یا راست بدن من به هیچ وجه به دیگرانی که در انتظار ورود به اتاق پزشک هستند، مربوط نمی‌شود و من در آن زمان نمی‌دانستم که حق دارم بابت این رفتار از پزشک و منشی وی گلایه‌مند باشم.

شیرینی می‌افزاید: مدتی پیش فرزندم در بیمارستانی دولتی و تحت‌نظر بیمه خدمات درمانی بستری شد. دو شبانه‌روزی که همراه دخترم بودم برایم بسیار زجرآور بود. دو شب دخترم درد کشید و فریاد زد. پس از فریادش به ایستگاه بیمارستان مراجعه می‌کردم، اما با بی‌تیمایلی پزشک کشیک (اینترن) برای حضور در بستر فرزندم مواجه می‌شدم و هنگامی هم که پس از دقایقی طولانی به بستر دخترم می‌آمد با چهره‌ای خشمگین او را بازخواست می‌کرد که چرا گریه می‌کنی! مگر می‌شود که اینقدر درد داشته باشی؟

این خانم ادامه می‌دهد: احتمالاً به این دلیل که چند بار تمرکز پزشک را از تلفن همراهش به سمت دخترم منعطف کرده بودم، از ما خشمگین شده بود اما من در نهایت به این خانم دکتر ابراز گلایه کردم و با بیان اینکه دخترم به شدت از رفتار وی ناراحت و قصد تغییر بیمارستان را دارد، خواستار شدم با ما همراه‌تر و خوش‌رفتارتر باشد.

● سه نکته شهروندی

در سه رخداد توصیف و تشریح شده چند نکته حائز اهمیت است: اول، حق کرامت و برابری انسانی (مواد ۷-۱۱) یکی از مواد مهم منشور حقوق شهروندی است که رئیس‌جمهوری به شدت به آن تأکید کرده است.

دوم، طبق منشور حقوق بیمار، دریافت مطلوب خدمات حق بیمار است و ارائه خدمات سلامت باید بر پایه انصاف، صداقت، ادب و مهربانی بوده و در سریع‌ترین زمان ممکن، با احترام به وقت بیمار و با در نظر گرفتن سن، جنس و زبان بیماران است.

سومین نکته حائز اهمیت در مواردی که توصیف شد بنا به اصول منشور حقوق بیمار این است که هر بیمار حق دارد خدمات سلامت را مبتنی بر احترام به حریم خصوصی و رعایت

اصل رازداری دریافت کند. به این طریق که محرمانه بودن اطلاعات بیمار از طریق کادر درمان الزامی است و همچنین دریافت خدمات سلامت نیز باید در سریع‌ترین زمان ممکن و شایسته شأن و منزلت انسان باشد به گونه‌ای که شخصیت، حریم و وقت بیمار در نظر گرفته شود.

● چيستی حق شهروندی از زبان یک وکیل

«حقوق شهروندی حقی است که هر شخص به صرف اینکه شهروند جمهوری اسلامی ایران است از آن برخوردار می‌باشد».

«سعیده غالی» با اشاره به اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی، بیان می‌کند: همه افراد ملت در حمايت یکسان از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردار هستند.

به گفته این وکیل پایه یک دادگستری، حقوق شهروندی بر اصولی چون کرامت انسانی، صیانت از حقوق و آزادی‌های غیرقابل سلب، حاکمیت مردم، برخورداری همه مردم از حقوق انسانی مساوی، منع تبعیض و حمايت یکسان قانون از آحاد یک ملت مبتنی است.

غالی می‌گوید: شهروندان رسماً از عضویت مشروع و برابر در یک جامعه بهره‌مند هستند و هیچ عاملی نمی‌تواند عضویت مشروع شهروندان را از آنها سلب کرده و یا برای آن سلسله مراتبی قرار دهد. در واقع حقوق شهروندی وصفی است عادلانه برای همه افراد یک ملت که در قالب آن کلیه افراد از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردارند و بر این اساس شهروند دارای یکسری حقوق بوده و البته تکالیفی هم بر عهده‌ی وی خواهد بود که این حقوق و تکالیف لازم و ملزوم یکدیگرند.

فعال حقوق شهروندی در این باره که اگر بیمار در شرایطی قرار گرفت که احساس کرد حق شهروندی او تضییع و یا کرامت انسانی وی خدشه‌دار شده است، می‌گوید: اصل ۲۲ قانون اساسی، بر مصون ماندن حیثیت و جان انسان از تعرض تأکید کرده است پس با توجه به اصول ذکر شده و نیز قانون اساسی کشور که قانون مادر و برتر حاکم در کشور است، فرد در هر مورد که احساس کرد به کرامت انسانی و حقوق شهروندی وی تعرضی صورت گرفته می‌تواند به مراجع صالحه قضایی مراجعه و احقاق حق نماید.

این فعال حقوق شهروندی در مورد تضییع حقوق شهروندی را مراجعه به مراجع قضایی (دادگستری) توصیه می‌کند: لازم

این مسئول هدف از این اقدام را بررسی نارضایتی مردمی و کم و کاستی‌های حوزه‌های متعدد به ویژه حوزه درمان عنوان می‌کند و می‌گوید: حقوق شهروندی تا اندازه‌ای مدنظر مسئولان استان است که سال ۹۸ برای نخستین بار در کشور کمیته سلامت حقوق شهروندی با هدف رسیدگی و بررسی نارضایتی‌های مردمی در حوزه بهداشت و درمان و کمبود و کاستی‌های این حوزه در یزد راه‌اندازی شده است.

به گفته نصیری، تیمی متشکل از بیمه سلامت، سازمان بازرسی، دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری، نماینده تام الاختیار معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار، نماینده امور حقوقی استانداری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس بازرسی دانشگاه علوم پزشکی استان در این کمیته قرار دارند و همگام با تأکید دولت بر تلاش برای احقاق حقوق شهروندی در کشور، به وظایف خود در این حیطة رسیدگی می‌کنند.

● چه کنیم حق‌مان ضایع نشود

با توجه به عزم دولت در تدوین منشور حقوق شهروندی، گماردن دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور حقوق شهروندی، شکل‌گیری دبیرخانه صیانت از حقوق شهروندی و کمیته سلامت حقوق شهروندی، به نظر می‌رسد که می‌توان امیدوار به احقاق حقوق شهروندی در استان بود. با این حال، به شهروندان توصیه می‌شود با مطالعه منشور حقوق شهروندی، منشور حقوق بیمار و دیگر منشورها و با شناخت حقوق خود و حق دیگران، خود را به شهروندی آگاه و جامعه را نیز به جامعه‌ای آگاه نسبت به حقوق خود تبدیل کنند.

در پایان، این دیدگاه قابل تأمل است: تا زمانی که ما به حق خود آشنا نبوده و برای احقاق حق‌مان در این جامعه تلاش نکنیم، خود و جامعه به توسعه دست نخواهیم یافت و احتمال تضییع حق‌مان زیاد خواهد بود.

برای مثال، تا زمانی که آگاه نباشیم این حق ما است که قبل از ارائه نسخه به داروخانه، از حضور داروساز در داروخانه مطمئن شویم. این حق ما است که داروساز و یا مسئول فنی داروخانه قبل از تحویل دارو، تاریخچه مصرف دارویی و بیماری‌های زمینه‌ای را بررسی و جویا شوند و این حق ما است که در مورد تداخل داروهای تجویز شده در نسخه با داروهای دیگر، خوراکی و پاسخ‌های آزمایشگاهی از داروخانه راهنمایی بخواهیم، متأسفانه نمی‌توان انتظار داشت حقوق ما به طور کامل رعایت شود.

است شهروندان در صورت احساس تضییع حق خود و در صورت نارضایتی از خدمات شهروندی در وهله نخست حق متقابل خود و دیگری را یادآور شوند. شماره تلفن ۱۱۱ (سامانه الکترونیکی ارتباط مردم و دولت (سامد)) نیز به عنوان یکی از راه‌های ارتباطی است که هموطنان در هر نقطه کشور می‌توانند با این شماره تماس بگیرند.

● تلاش برای سلامت حقوق شهروندی

در هماهنگی با اداره کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری یزد، در یکی از بازدیدها و بازرسی‌های دوره‌ای کمیته سلامت حقوق شهروندی همراه با آنان می‌شویم و وضعیت حقوق شهروندی در مراکز درمانی استان را از نزدیک و در کنار متخصصان این حوزه مشاهده می‌کنیم. اعضای ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی استان که شامل چند تن از مدیران کل و نمایندگان ادارات هستند با حضور در چند بیمارستان، مطب و داروخانه وضعیت رسیدگی به امور بیمار، برخورد با بیمار و عملکرد حرفه‌ای این مراکز را بررسی کرده و از مراجعه‌کنندگان به این مراکز جویای شیوه خدمات‌رسانی به آن‌ها می‌شوند.

طبق گفته رئیس دبیرخانه حقوق شهروندی و کارشناس سابق دفتر امور اجتماعی فرهنگی استانداری، با توجه به حجم بیماران مراجعه‌کننده به مراکز درمانی یزد نیز تا حدی رضایتمندی نسبی از ارائه خدمات در مراکز درمانی استان وجود دارد. در عین حال، در صورت مشاهده و یا گزارش نارضایتی، نسبت به بررسی این موضوع اقدام خواهد شد.

«رسول نصیری» در خصوص اقدامات استانداری یزد در زمینه صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی می‌گوید: این دبیرخانه برای بررسی نارضایتی‌های مردمی به ویژه در حوزه بهداشت و درمان با همکاری دستگاه‌های مربوطه اقداماتی را برنامه‌ریزی کرده و به انجام می‌رساند.

وی بازرسی، ارزیابی و نظارت بر عملکرد سالانه ادارات در حوزه حقوق شهروندی و نیز ارزیابی و نظارت بر عملکرد مراکز و واحدهای خدماتی، درمانی، بهداشتی، رفاهی و... را یکی از اقدامات مهم این دبیرخانه بیان می‌کند و می‌افزاید: انجام بازدیدهای سرزده دوره‌ای از مراکز بهداشتی، درمانی، شهری و روستایی و نیز بازدید از داروخانه‌ها و مطب پزشکان در دستور کار این دبیرخانه است.

شیرینی دوستی علی در شب شکلاتی شهر

حمیدرضا امیری

دوست، دوست، دوست علی، آیین
کودکانه ای که به هویت شهر گره خورده

تقسیم می‌کنند. در پرتو برپایی این آیین، تعاون و کار گروهی را می‌آموزند، تعاملات اجتماعی را یاد می‌گیرند و همسایه‌ها را بهتر و بیشتر می‌شناسند. به خانه‌ی بعدی می‌رسند می‌ایستند. شعرشان را تکرار می‌کنند. شعر مراسم در محله‌ها و آبادی‌های مختلف، تفاوت‌های اندکی دارد. شاید چند کلمه کمتر باشد، شاید هم بیشتر. به هر حال از قدیم گفته‌اند: «هر محله‌ای یک آشی می‌پزند» و هر کجا رسم خودش را دارد. آهنگ شعرشان حسی حماسی دارد. گویی حماسه‌ی صفاآرایی نیروهای خیر است. تقابل سعادت و شقاوت به اوج خود رسیده است. ابن ملجم - اشقی الاشقیاء - به سزایش رسیده و زمین از شر وجودش پاک شده است. او بود که چند روز پیش بر فرق حضرت علی(ع) شمشیر زهرآگین فرود آورد و با ضربه‌اش ارکان هدایت را به لرزه درآورد. زمین و آسمان لرزید، دریاها طوفانی شد. باد سیاهی وزیدن گرفت و دنیا را تیره و تار ساخت. امام که به شهادت می‌رسد جهان آشفته می‌شود و هستی در آستانه‌ی نیستی قرار می‌گیرد. در این پریشانی باید کاری کرد تا جهان از هم نپاشد. با برپایی «آیین‌ها» می‌توان و باید چنین کرد. می‌توان و باید گیتی به هم ریخته را

یکی از شب‌های ماه رمضان است، دقیقاً شب بیست و هفتم. بچه‌ها قول و قرارشان را از پیش گذاشته‌اند و حالا گرد هم آمده‌اند تا به مراسم «دوست، دوست» بروند. در کوچه‌های محله حرکت می‌کنند، به اولین خانه که می‌رسند، می‌ایستند و شروع به خواندن می‌کنند:

«دوست، دوست، دوست علیه

امام اول، علیه

این خونه شربت و قنده

امام حسین درش را نبند

مدی؟ یا برم؟» و در می‌زنند.

اهل خانه که چشم‌انتظارند، خوشحال می‌شوند. صاحب‌خانه مهیای پذیرایی است. با دست پر می‌رود تا در را به روی کودکان بگشاید. بچه‌ها صبوری ندارند! تا در باز شود، باز صدایشان بلند شده است: دوست! دوست! دوست علی... صاحب‌خانه با خوش‌رویی در را می‌گشاید و به آن‌ها هدیه می‌دهد. این هدیه عمدتاً و معمولاً خوراکی است. قدیم‌ترها خرما بود، نقل، تخمه، سنجد و نبات بود. برگه‌ی زردآلو، توت خشک، انجیر خشک و آلوی خشک هم بود. حالا هم همین‌هاست. شکلات و کیک و بیسکوئیت هم به آن اضافه شده است. بچه‌ها خوراکی‌ها را عادلانه بین خودشان

سامان داد و جهانی نو ساخت. گویی نقش آفرینی کودکان در این مناسک، نمادی است از آن آغاز دوباره و دوختن و پوشیدن لباس نو در روز بیست و هفتم رمضان مهر تأییدی بر این آغاز نمادین.

دیگر بار باید یاران علی(ع) را که حیران و پراکنده شده‌اند، فراخواند. بچه‌ها آمده‌اند تا ایشان را ببینند، دعاگویشان باشند و ابراز دوستی نمایند. زمزمه‌ی «دوست، دوست» فضای محله را پر کرده است و چه حسی زیباتر از حس دوستی. آن هم دوست داشتنِ دوستان خدا: تولی.

زندگی، گرمی دل‌های به هم پیوسته است/ تا در آن دوست نباشد همه درها بسته است

درب خانه‌ها یک به یک باز می‌شود. خانه‌هایی که به گواه بچه‌ها پر از «شربت و قند» است. پر از شیرینی و شادی است. چه حرف‌های دلنشینی و چه دعای زیبایی! دعا می‌کنند: الهی! امام حسین(ع) در این خانه را نبیند. الهی به حرمت نام امام حسین(ع) در این خانه تا ابد باز باشد. دعای شبانه به اجابت نزدیک‌تر است. دعا اگر در زیر آسمان باشد، اثربخش‌تر است و مگر می‌شود دعای کودکان معصوم را خدا بشنود و حاجتشان را برآورده نسازد؟! حالا همه‌ی این‌ها فراهم است دعای شبانه‌ی معصومان‌هی کودکان در زیر آسمان خدا. قرار است بچه‌ها به در همه‌ی خانه‌های محله بروند. قرار است برای همه‌ی خانه‌های محله دعا کنند. قرار است همه‌ی محله، همه‌ی آبادی و همه‌ی شهر، با نام علی(ع) و امام حسین(ع) تقدّس یابد و پر از خیر و برکت شود.

قصه‌ی دیگری هم هست: علی به در خانه‌ی نیازمندان می‌رفته و به احوالشان می‌رسیده است. حالا چند شب است که کودکان نیازمند، بی‌پناه مانده‌اند و راهی کوجه‌ها شده‌اند و دنبال علی می‌گردند.

قدیم‌ترها در این میان، گاه صاحب‌خانه‌ای به جای خوراکی، به تناسب میزان شوخ‌طبعی‌اش کاسه یا سطل آبی از پشت‌بام بر سر بچه‌های از همه جا بی خبر می‌ریخت! و بچه‌ها شعری در نکوهش و مذمتش می‌خواندند، هجوش می‌کردند و می‌رفتند اما این هم جزئی از بازی بود، دلخوری در کار نبود، هیجان و خنده به همراه داشت. آب ریختن از بام در فرهنگ سنتی ایران نمایش باران است و جزء آیین‌های برکت‌خواهی است. با شهادت علی(ع) برکت از زمین رفته است و حالا که ابن‌ملجم کشته شده است مردم

امیدوارند که برکت باز گردد. باور دارم که این ماجرا حکمت دیگری هم داشت. صاحب‌خانه لعن و نفرین کودکان را به جان می‌خرد تا بچه‌ها تجربه کنند، دوستی علی و اولاد علی به همین آسانی به دست نیامده است. راه حبّ علی(ع) فرازا و نشیب‌ها داشته و دارد. تاریخ، شاهد سختی‌ها و مصیبت‌های بسیاری بوده است که بر دوست‌داران آن امام رفته است. گویی با این حرکت نمادین بچه‌ها درک می‌کنند که به همین راحتی میراث‌دار دوستی خاندان اهل بیت نشده‌اند بلکه این عشق در گذر از طوفان‌های حوادث به آن‌ها رسیده است، باید نگاهدارش بود.

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست/ عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد

بزم و رزم در هم آمیخته‌اند. لبخند بر چهره‌هاست. دوستان امام علی(ع) یکدیگر را یافته‌اند و برای تداوم دوستی‌شان تجدید پیمان کرده‌اند و وحدت و همدلی خود را نشان داده‌اند. نشان داده‌اند که برای همیشه بر سر این اخوت و دوستی‌اند و این همه را با صدای بلند اعلام کرده‌اند. آیین کودکان‌هی «دوست علی» به همین سادگی (و شاید هم به همین پیچیدگی!) به یک شهر هویت می‌بخشد، پیوند و وفاق اجتماعی و همگرایی و همدلی ایجاد می‌کند. شهری علوی و حسینی پدید می‌آورد و آن را به نسل بعد انتقال می‌دهد.

بچه‌ها شادمانه از هم خداحافظی می‌کنند و به خانه‌هایشان باز می‌گردند با کیسه‌هایی پر از شیرینی و خیر و برکت و خوراکی‌های شفابخش و پیش از آن که علی را بشناسند، حلاوت دوستی‌اش را می‌چشند.

به قول دکتر سامان قاسمی: «خرد قدیم، سنت‌های جذّاب و کارآمدی برای فرهنگ‌سازی و انتقال فرهنگ به نسل بعد دارد. بسیاری از آموزه‌ها مستقیم نیست. هیچ توضیحی داده نمی‌شود. پنداری فقط بازی‌های جذّابی است که همه‌ی جامعه از بزرگ و کوچک در آن مشارکت می‌کنند تا کودکان با نقش‌هایی که در بازی ایفا می‌کنند، هویت بیابند و شخصیت‌شان شکل بگیرد. بزرگ‌ترها هم این‌قدر مسؤولانه مشارکت می‌کنند که پنداری تمام کودکان جامعه، فرزندان ایشان هستند. این بازی‌ها در قالب «آیین» هستند.» در همین آیین‌هاست که «ما» راه خود را مشخص کنیم، و به این پرسش، پاسخ می‌دهیم که «ما» در کدام سو قرار داریم؟

پای صحبت دانشجویان خارجی دانشگاه یزد:

دانشجویان خارجی سفیران فرهنگی

اسماعیل شریف نژاد



مامن (مامان) نورساندا، دانشجوی اهل نیجریه است. او که می‌گوید شهروند قبیله ترکیبی کانوری و شووا در ایالت بورنو هست، اکنون در حال تحصیل در رشته فیزیک مواد چگال در دانشگاه یزد است. او شرایط مناسب علمی ایران را علت اصلی انتخاب کشور برای ادامه تحصیل دانست و عنوان کرد: با دعوت و تشویق دوستم یزد را انتخاب کردم و با اطمینان از اینکه دوره تحصیلی مناسبی خواهم داشت به یزد آمدم.

نورساندا بر زبان فارسی تسلط کافی ندارد و مصاحبه با او نیز به زبان انگلیسی انجام شده است در رابطه با مشکل اختلاف زبانی گفت: من سعی می‌کنم براساس متن کتاب پیش بروم. در این مدت یادگرفته‌ام چطور معلم خودم باشم و مشکل اختلاف زبان را حل کنم. هرچند با بیشتر اساتید می‌توان از طریق زبان انگلیسی صحبت کرد. در این ترم که کلاس‌ها آنلاین برگزار می‌شود مشکل بیشتر است، چراکه تکیه بر مباحث شفاهی بیشتر بوده و دسترسی به اساتید محدودتر است.

نورساندا که از طرف وزارت علوم ایران بورسیه شده می‌گوید یزد برای دانش آموزانی که توانایی علمی بالایی داشته باشند و فارسی را یاد بگیرند، بسیار عالی است. او در جواب سوال خبرنگار درباره معنای اسمش به فارسی گفت: شنیده است که اسم کوچکش به فارسی به چه معناست و اینکه اسم او در زبان کشور خودش به معنای «محمد» است.

● ارتباط آکادمیک، راه گسترش مشترکات فرهنگی

محمد موسی شفق، دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه بامیان افغانستان است که برای گذران دوره تحصیلات تکمیلی در مقطع دکتری، به دانشگاه یزد آمده است.

او که دو سال و نیم در یزد بوده، اکنون قصد دارد پایان‌نامه خود را با موضوع تاثیر جنگ بر داستان‌نویسان مهاجر افغانستانی در ایران بررسی کند. شفق از داستان‌نویسانی چون «محمد حسین محمدی»، «محمد آسف سلطان‌زاده»،

یزد، از گذشته دور تا به اکنون مأمون سازگاری اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بوده است. فرهنگ «مدارا» می‌تواند محوری باشد که یزد را به عنوان مقصد مهم گردشگری در انواع آن مطرح کند. دانشجویان خارجی در دانشگاه سراسری یزد بیشتر از دیگر دانشگاه‌های این شهر مشغول به تحصیل هستند. افغانستان بیشترین دانشجوی خارجی و به ترتیب کردستان عراق، پاکستان، نیجریه، اتیوپی، هند، سوریه و اکراین کشورهای دیگری هستند که دانشجویان از آن‌جا به قصد تحصیلات تکمیلی به یزد آمده‌اند. هرچند دانشجویان افغانستانی مقیم کشور و دیگر مهاجران برای تحصیل در ایران با مشکلات خاص خود و همچنین قوانین تبعیض‌آمیز درگیر هستند ولی در این بین دانشجویان نخبه بسیاری حضور دارند که توانسته‌اند در سال‌های اخیر رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری چه در مقطع کنکور سراسری و چه کارشناسی‌ارشد و دکتری را کسب نمایند. همچنین دانشجویان خارجی با هدف تحصیل در دانشگاه‌های کشور به ایران سفر می‌کنند. یزد توانسته است یکی از مقاصد مناسب برای این دسته از دانشجویان باشد.

● برخورد صمیمی، عامل دلگرمی دانشجویان خارجی

محمد ولی حیرانی که به همراه همسر خود در یزد مقیم هستند، ایران و به ویژه یزد را یکی از مقاصد اصلی دانشجویان افغانستانی دانست و افزود: برخورد جامعه یزد و همچنین اعضای هیئت علمی با دانشجویان غیر ایرانی دوستانه و با حسن نیت است. این برخورد مناسب است که باعث شده افراد اعضای خانواده خود را نیز به یزد بیاورند و حتی آن‌ها را نیز ترغیب به ادامه تحصیل در یزد کنند.

مارال امیری، همسر محمد ولی حیرانی است که در مقطع کارشناسی ارشد مدرک خود را در رشته ریاضی مالی از دانشگاه یزد اخذ کرده است. او که عضو هیئت علمی دانشگاه جلال‌آباد افغانستان است برای اخذ مدرک دکتری در رشته ریاضی کاربردی به یزد آمده است و قصد دارد از پایان‌نامه خود با عنوان بهینه‌سازی تئوری بازی در شبکه‌های اجتماعی دفاع نماید.

در دانشگاه‌های یزد مشغول به تحصیل هستند. او در ادامه در رابطه با ترکیب جمعیتی این دسته از دانشجویان بیان داشت: اکثریت این دانشجویان از کشور افغانستان بوده و عراق، به ویژه کردستان عراق در رتبه بعدی است. نیجریه، اتیوپی، هند، سوریه و اکراین کشورهای دیگری هستند که در یزد دانشجو داشته یا هم اکنون نیز دانشجویان آن‌ها در حال تحصیل هستند.

سعید پاک‌طینت روش‌های ورود دانشجویان غیر ایرانی را این‌گونه تشریح کرد: دانشجویان غیر ایرانی به سه روش می‌توانند در دانشگاه یزد پذیرفته شوند. اول، بورسیه وزارت علوم که بین وزارت علوم کشور ایران و کشور مطبوعشان رابطه‌ای به همین منظور شکل می‌گیرد. دوم، بورسیه خود دانشگاه یزد که از دانشجویان نخبه، شهریه و هزینه‌های خوابگاه دریافت نمی‌کند که اکنون نیز این سعی وجود دارد که در حد توان از این دانشجویان نخبه حمایت شود ولی شرایط فعلی امکان انجام آن را آن‌گونه که لازم است، نمی‌دهد. سوم، حالتی است که خود دانشجو تمام هزینه‌های تحصیل را بدهد.

پاک‌طینت آمادگی فرهنگی در یزد را یکی از ملزومات افزایش ورود دانشجو به یزد عنوان کرد و ادامه داد: این افراد گردشگر نیستند و چندین سال در یزد حضور خواهند داشتند و با اتمام مهلت تحصیلشان، سفیر فرهنگی ایران در کشور خودشان خواهند بود.

وی ادامه داد: حضور این افراد می‌تواند بسیاری از سوتفاهم‌ها را رفع کند و همچنین این ارتباط فرهنگی می‌تواند پیوندی با گردشگری ایجاد نماید. دانشگاه یزد به دلیل ظرفیت‌های گردشگری موجود در این شهر توانسته میزبان دانشجویان متعددی باشد که خواسته‌اند فرصت مطالعاتی خود را در این شهر بگذرانند. آلمان، مجارستان، روسیه و ایتالیا کشورهایی بودند که برای فرصت مطالعاتی دانشجویانی در یزد داشته‌اند.

«حمیرا قادری»، «حسین حیدر بیگی»، نام می‌برد که می‌توان از جنگ به عنوان تم مشترک در آثار آن‌ها یاد کرد. او در ادامه به ویژگی‌های مشترک ایران و افغانستان اشاره می‌کند: ایران و افغانستان در گذشته دارای سرزمینی مشترک، دینی مشترک و ذخایر فرهنگی مشترک بوده‌اند از جمله زبان فارسی که به عنوان مهمترین عامل هنوز نیز می‌تواند جغرافیای فرهنگی مشترکی را در بین افرادی که به این زبان تکلم می‌کنند، ترسیم نماید.

شفق، مهمترین عامل برای گسترش این مشترکات فرهنگی را ارتباط آکادمیک دانست و ادامه داد: عامل اصلی تحکیم روابط بین کشورها، عامل فرهنگی و علمی است.

● زبان فارسی، عامل تعامل کشورها

شفق در جواب خبرنگار پیرگار که درباره جریان‌ی که قصد حذف زبان فارسی را در افغانستان داشته‌اند، به تفکری اشاره کرد که ریشه در تفکر ملیت‌گرایانه قومی افغانستان دارد و در حیطه‌هایی حاکمیت نیز آن را تشدید می‌کند و افزود: این گرایش‌ها آشخور علمی و فرهنگی ندارند. شفق این گرایش‌ها را عامل محدود کردن زبان فارسی دانست و توضیح داد: دلایلی که این افراد مطرح می‌کنند از جمله تأکید بر زبان فارسی دری که در قرن ۳ و ۴ هجری قمری مطرح بوده و هنوز رگه‌هایی از آن در گویش فارسی در افغانستان وجود دارد را عامل محدود کردن زبان فارسی دانست.

شفق افغانستان را جزوی از جغرافیای فعلی زبان فارسی برشمرد و اینگونه تصمیمات را غیرکاربردی دانست و بیان داشت: این نوع توجیحات به لحاظ زبان شناسی مغالطه کاری است. زبان در تعاملات مختلف تغییر می‌کند. اختلاف تکلم بین ایران و افغانستان در زبان فارسی در سطح گویش بوده و انفکاک بین زبان فارسی در ایران و افغانستان نیست. متکلمان هر دو کشور زبان یکدیگر را به راحتی درک می‌کنند.

● ۵۰۰ دانشجو از بیش از هشت ملیت در یزد تحصیل کرده‌اند

رییس اداره دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه یزد، در گفتگو با خبرنگار پیرگار مطرح کرد: برای بسیاری افراد حتی اعضای هیئت علمی باور پذیر نیست که ۵۰۰ دانشجوی غیر ایرانی

محمد علی بستان (از مجموعه غزلیات نگاه)

مرا با عشق معنا کن که بی آن، بی سرانجامم
اگر عاشق نباشم، پوچ و بی معناست فرجامم

حدیث عشق را راوی روایت می کند هر جا
به خود می بالم از عشقت و شیرین می شود کامم

تو و مهتاب و اشک شوق و لطف بی حد ساقی
من و با عشق، سرمستی و آنچه مانده در جامم

مرا کافی است کافی در جواب دوست دارم
میان شاعران شهر گاهی می بری نامم

طناب عمر پوسیده است، نخ نخ، تار تار اما
ولی چسبیده ام محکم به دامان تو و دامم

هوای سرد پاییز است و من سببی که می دانم
به روی شاخه ی عشقت اگر جامانده ام خامم



محمدعلی بستان متولد ۱۳۳۷ در یزد است. مجموعه اشعار او با نام های بدرقه باران، بازهم لحظه ای از شعر فراتر، عشق معنا شدنی نیست، باران تو را می فهمد، دو سه دیوانه بیشتر، شاید، تنهایی و نگاه از انتشارات یادداشت نو منتشر شده است.

محمد علی بستان (از کتاب تنهایی)

از بس که تکرارم از این تکرار بیزارم
شاید به زندانی که هستم هم بدهکارم
تنهای تنهاییم میان جمع تنهایی
او هم دلش می گیرد از حالی که من دارم

در خون نشست روسری دختران مان

زهرا شاه شوازی


در سوگ دختران افغانستان

این مردم شریف و رنج دیده افغانستان که سال هاست رنج مهاجرت را می کشند و شاهد نمایش قدرت طلبانی جاهلی هستند که فهم مطلق خود را پایان همه فهم ها می دانند و می خواهند آن را با گلوله در سر دیگران بگنجانند. خطرناک ترین و جاهلانه ترین باوری که می خواهد دیگران را به باور خود در بیاورد حتی با زور، خشونت و مرگ. جاهلانی که نگرانند دلیل های دیگران باور های غلط شان را بر باد بدهد و لذا خون هر فردی برایشان مباح است. بیش از ۸۰ دانش آموز دختر در افغانستان به جرم اینکه عاشق تحصیل بودند با خشم جهالت عده ای معصومانه پرپر شدند. فرشته های کوچکی که امروز سیاه پوش خواهران خود هستند و یا رقص کنان پرکشیده اند.

«چهل دختران» کابل امروز در غم دخترکانی است که با اشتیاق به کسب دانش و آگاهی و آرزوی فردایی بهتر و روشن راهی مدرسه شده بودند. دخترانی که این دنیا روی دیدن قهقهه آنها را نداشت چراکه حجم لطافت این دخترکان بیشتر از ظرفیت دنیای سیاستمدارانش هست.

پدران و مادران این دختران حالا می دانند که آنها کجاستند؟! دیگر کسی در تدارک عید و پیراهن گلداز برای دختران نیست. عده ای به دنبال جمع کردن کفش های لنگه به لنگه، کیف های رنگی، کتاب های جغرافیه و کمپیوتر، مدارنگی نقش و قلم های نقش بر زمین هستند شاید یکی از آنها مال دختر من باشد. عده ای در شفاخانه از میان رگه های خون، صورت دختران را شناسایی می کنند. مادری صورت خود را به صورت نحیف دخترک چسبانده و زجه می زند پدري پیکر متلاشی دخترش را می بینند و ناله سر می دهد. اجساد دختران همچون صبح گاه مدرسه به صف شده است پدران و مادران به پهنای صورت اشک می ریزند. این تصویر جدیدی از درد در افغانستان نیست، آن ها سال هاست که با غم شانه به شانه اند.

اهالی دشت برچی حالا در تدارک خاکسپاری و مراسم عزاداری هستند. دانه دانه دخترانشان در دامنه چهل دختران به خاک سپردند. امروز ۸۰ دانش آموز مدرسه غیبت موجه دارند اما میل به دانش و یادگیری از بین نمی رود جوانه های کوچک از هر جایی سر برمی آورد و رشد می کند و حقوق از دست رفته را مطالبه می کند.



گاهی پدر شدیم و پسر را گریستیم
گاهی پسر شدیم و پدر را گریستیم
هر روز و شب، درست چهل سال می‌شود
ساعات تلخ پخش خبر را گریستیم
هر روز و شب، درست چهل سال می‌شود
هی لخته، لخته خون جگر را گریستیم
هر دم به خون خویش فتادیم و ساختیم
هی قبر تازه کوه و کمر را، گریستیم
مادر شدیم و از پس هر زخم انفجار
هی چشم‌های مانده‌به‌در را گریستیم
در خون نشست روسری دختران‌مان
رخساره‌گان قرص قمر را گریستیم
بعد از تو روزگار همانی که بود، ماند
هر سال ما قضا و قدر را گریستیم
بعد از تو نیز مثل خودت، عاصی عزیز!
«شب را گریستیم، سحر را گریستیم»

ضیاء قاسمی
شاعر اهل افغانستان



پست الکترونیک Info@pargarnews.ir
وب سایت نشریه www.PargarNews.ir
فضای مجازی نشریه [@PargarNews](https://www.instagram.com/PargarNews)

بارکد را اسکن کن اشتراک رایگان بگیر



با ورود به سایت و ثبت اطلاعات، به صورت رایگان اشتراک
یکساله نسخه الکترونیک هفته نامه پرگار را داشته باشید.



فروشگاه اینترنتی
محصولات کنجدی
در استان یزد

بیزد استور

www.yazdstore.ir

